

امکان سنجی اثرگذاری پاسخ‌های ترمیمی در قبال بزهکاری تروریستی

عرفان باباخانی*

چکیده

پدیده تروریسم از اواخر قرن بیستم میلادی فراگیر شده است و عموماً آسیب ناشی از ارتکاب چنین جرایمی ناظر بر تهدید امنیت جامعه می‌باشد. مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ملی و فراملی در برابر پدیده تروریسم بیان‌نگر این نکته است که رویکرد غالب و حاکم، رویکردی امنیت‌محور است؛ بدین صورت که بزهکاران تروریستی به‌عنوان «بزهکار خطرناک» و «اصلاح‌ناپذیر» توصیف شده و حتی در صدر بزهکاران خطرناک قرار گرفته و بر پایه یک فلسفه کیفری سزادهنده، بازدارنده و ناتوان‌ساز با آن‌ها رفتار می‌شود. اما به نظر پاسخ کارآمد به تروریسم نمی‌تواند صرفاً به برخورد کیفری مبتنی بر سزادهی و تسامح صفر منحصراً گردد؛ بلکه باید جهت پایه‌ریزی یک گفتمان ترمیمی با هدف ترویج اصلاح و بازپروری مرتکبان، پیشگیری از تکرار جرم و جبران خسارات بزه‌دیده اقدام نمود. تلاش پژوهشگر بر آن است تا با نگاهی بیشینه‌خواه، با تمرکز بر تجربه حقوق خارجی، از نظریه «امکان ترمیمی‌سازی سیاست کیفری ضد تروریستی» دفاع کرده و به‌عنوان راهبردی موازی با عدالت کیفری به قانون‌گذار معرفی کند. نگارنده با رویکردی توصیفی-تحلیلی استدلال می‌کند که سیاست‌های برآمده از نظریه حقوق جنایی دشمن‌مدار و سرکوب‌گر، نمی‌تواند به راهبرد اصلی سیاست جنایی ضد تروریستی تبدیل شوند، بلکه راهبرد جنایی مناسب جهت رویارویی با بزهکاری تروریستی، طراحی یک سیاست جنایی ترکیبی به‌منظور استفاده تلفیقی از ضمانت‌اجراهای ترمیمی و کیفری، حسب شخصیت و وضعیت بزهکاران تروریستی است. در این رهیافت ترکیبی به‌صورت موازی امکان کاربست برنامه‌های عدالت ترمیمی و پاسخ‌های تنبیهی در قبال بزه‌های تروریستی وجود دارد. و در صورت شکست فرایند و پاسخ ترمیمی همواره می‌توان فرایند کیفری و پاسخ تنبیهی را دنبال کرد.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، پاسخ‌دهی ترمیمی، افراط‌زدایی ترمیمی، حقوق جنایی تروریسم

مقدمه

عدالت ترمیمی پارادایم (دیدمان) نوینی در سپهر دانش حقوق است که از حدود دهه ۱۹۷۰ میلادی و به منظور حل بحران‌های کیفری نوین^۱، توان‌مندسازی و حمایت از بزه‌دیدگان جرم، ترمیم گسست‌های اجتماعی ناشی از جرم، بازپروری بزه‌کاران و مشارکت‌دادن تمام سهام‌داران جرم^۲ در حل مسئله جرم و... ظهور کرده و به تدریج جهانی شد. در پرتو این آموزه نوپیدا، نگرش انسان به جرم، بزه‌کار، بزه‌دیده و کیفر دگرگون شده و خوانش ترمیمی نو از هر یک ارائه می‌شود که در میانه‌روترین حالت منجر به کاهش کیفرگرایی (رهیافت نظری بیشینه‌خواه)^۳ و در ناب‌ترین حالت منجر به براندازی نظام عدالت جنایی و دراندازی نظام عدالت ترمیمی می‌شود (رهیافت نظری ناب‌خواه)^۴. به همین جهت سخن از یک «انقلاب حقوقی ترمیمی» نه تنها ناروا نیست، بلکه بیان‌گر تمام آرمان و هدف عدالت ترمیمی است. به بیان دیگر، عدالت ترمیمی به دنبال ایجاد یک «نظم حقوقی ترمیمی» به موازات (رویکرد موازی‌سازی) و یا به جای (رویکرد جانشین‌سازی) «نظم حقوقی تنبیهی» است. بنابراین، از منظر آینده‌شناسی حقوقی می‌توان چنین نوشت که حقوق آینده به تدریج سیما و سرشت ترمیمی به خود گرفته و از درون مایه‌ها و سیمای تنبیهی خود خواهد کاست و این جلوه‌ای از فرایند متمدن شدن جوامع بشری است. این بدان معنا است که در بعد «حقوق شکلی / آیینی»، آیین‌های دادرسی از الگوهای دادرسی تنبیهی به سمت الگوهای دادرسی ترمیمی، و در بعد «حقوق ماهوی / سرشتی»، احکام و ضمانت‌اجراها و پاسخ‌ها، از الگوی ضمانت‌اجراها و پاسخ‌های تنبیهی به سمت ضمانت‌اجراها و پاسخ‌های ترمیمی پیش خواهند رفت. این دو تحول ترمیمی شکلی و ماهوی می‌تواند زمینه‌ساز ظهور «جامعه‌های ترمیمی» در تاریخ تمدن بشری گردد؛ آرمانی که امروزه با آغاز ساخت «شهر ترمیمی» در شماری از کشورهای جهان، مانند انگلیس، بلژیک، استرالیا، ایران (مشهد، یزد، ایلام) و... به تدریج از رویا به واقعیت تبدیل می‌شود. هرچند که تا رسیدن به یک «اتوپای / آرمان‌شهر ترمیمی» راه بسیار دور و درازی باقی است، ولی با اعتلای فرهنگ و اخلاق بشری، رسیدن به آن نیز «ممکن» است و نباید تشکیل آرمان‌شهر ترمیمی را «مُمتنع» دانست.

در میدان عمل نیز گزارش‌های منتشرشده از تجربه اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در جهان معاصر بیان‌گر موفقیت نسبی و رو به رشد آن است. اگرچه برنامه‌های عدالت ترمیمی در آغاز به منظور رسیدگی و پاسخ‌دهی به جرایم خفیف و کم‌اهمیت و بزه‌کاری بزه‌کاران خردسال و کم‌خطر

1. La crise de politique criminelle.
2. Les protagonistes de crime.
3. La conception puriste.
4. La conception maximaliste.

به‌کار برده می‌شد، ولی به تدریج و با اثبات موفقیت و اثربخشی این برنامه‌ها، اعتماد سیاست‌گذاران جنایی به این برنامه‌ها افزایش یافته و روزه‌به‌روز بر گستره صنفی (توسعه از دعاوی جنایی به دعاوی مدنی، اداری و صنفی)، گستره موضوعی (توسعه از جرایم خفیف به جرایم شدید)، گستره مکانی و جغرافیایی (توسعه از کشورهای شمال اروپا، استرالیا و جوامع بومی به سراسر جهان)، گستره سطحی (توسعه از دادرسی داخلی به دادرسی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی)، گستره زمانی (توسعه از مرحله رسیدگی به تمام مراحل دادرسی)، گستره نهادی (توسعه از نظام قضایی به نهادهای غیرقضایی و اداری و پلیسی)، گستره شخصی (توسعه از بزهکاران خردسال و کم‌خطر به بزهکاران بزرگسال و پرخطر)، گستره برنامه‌ای (توسعه از میانجیگری به دیگر برنامه‌های ترمیمی) و... آن افزوده شد.^۱ در پرتو همین رویکرد توسعه‌ای و گسترش روزافزون عدالت ترمیمی است که امروزه سخن از امکان استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در قبال جرایم شدید و بزهکاران خطرناک است. برای مثال، نتایج پژوهش‌های تجربی لاتمیر و همکارانش در سال ۲۰۱۱ نشان داد که بیشتر از ۷۰ درصد از مطالعات ثابت نموده‌اند که با اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی، در مقایسه با عدالت کیفری سنتی، تکرار جرم کاهش یافته و بزه‌دیده و مرتکب از نتایج فرایند رضایت‌داشتند (Dieu, Ferri, 2015: 80). برای نمونه، لود والگریو - جرم‌شناس بلژیکی و از نظریه‌پردازان عدالت ترمیمی - بر این باور است که «شدت و سنگینی عمل مجرمانه نمی‌تواند پیش‌فرضی ضد اجرای عدالت ترمیمی تلقی شود، بلکه بر عکس با توجه به اینکه جرایم سنگین باعث رنج و خسارت بیشتر می‌شوند، ترمیم روابط و جبران خسارات در چنین مواردی ضروری‌تر تلقی می‌شود» (Walgrave, 2008: 133). بنابراین، شدید بودن جرم ارتكایی و یا خطرناکی مجرم توجیه قابل‌قبولی برای مستثنا کردن بزهکاران و بزه‌دیدگان جرایم شدید از برنامه‌های ترمیمی نیست. در راستای کارآمدی این برنامه‌های ترمیمی کشورهای اسپانیا و ایتالیا این اقدامات ترمیمی را در جرایم تروریستی اجرا نموده‌اند که این رویکرد غیرکیفری اثربخش بوده است. نتایج این برنامه‌ها منتج به آشتی و ترمیم همه شرکت‌کنندگان (طرفین عمل مجرمانه) و به‌ویژه شاهدان عینی، به رسمیت شناختن رنج بزه‌دیدگان توسط مرتکبان و تأمین امنیت خاطر آن‌ها شده است (Soulou, 2018: 354).

۱. توسعه پرشتاب عدالت ترمیمی یادآور این سخن جان هوارد زهر - پدر عدالت ترمیمی - است که می‌گوید: «حوزه و دامنه اجرایی فعلی عدالت ترمیمی مثل یک قطره کوچک آب در دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، قبل از این که تبدیل به رودخانه‌ای گسترده‌تر شود که از ورودی‌های مختلف تغذیه می‌شود» (Zehr, 2002: 62). حتی امروز دیگر نه صبحت از قطره و رودخانه ترمیمی، بلکه باید از تشکیل یک اقیانوس عدالت ترمیمی سخن گفت.

اما چالش و پرسش اصلی در رابطه با توسعه عدالت ترمیمی به جرم‌های شدید و خشن این است که آیا عدالت ترمیمی می‌تواند به حوزه مبارزه با تروریسم نیز توسعه پیدا کند یا خیر؟ با فرض اینکه پاسخ این پرسش مثبت باشد و راهی انتخاب شود که عدالت ترمیمی را در این موارد تجویز می‌کند، پرسش دومی خلق می‌شود که مکمل پرسش قبلی است و آن نیز اینکه، در این صورت، از کدام برنامه‌های ترمیمی می‌توان جهت رسیدگی و پاسخ‌دهی به رفتارهای تروریستی استفاده کرد؟ فرضیه نگارنده در برابر پرسش نخست، امکان توسعه عدالت ترمیمی به جرایم تروریستی است. البته ترمیمی‌سازی سیاست جنایی تروریستی به صورت کامل و در مورد همه تروریست‌ها ممکن نیست. در نتیجه، حتی اگر نتوان از «امکان مطلق» آن دفاع کرد، می‌توان از «امکان نسبی» آن دفاع کرد. در برابر پرسش دوم نیز فرض بر آن نهاده شده است که می‌توان هر برنامه ترمیمی موجود را به جرم‌های تروریستی نیز توسعه داد و از این جهت نیازی به برنامه‌های ترمیمی افتراقی نیست. پاسخ به هر یک از این دو پرسش اصلی سازنده درون‌مایه این نوشتار است. برای این منظور، نگارنده تلاش می‌کند با استفاده از داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده از اسناد و کتابخانه‌ها و منابع اینترنتی و روش پژوهش تحلیلی - توسعه‌ای به این دو پرسش پاسخ دهد. در همین راستا، در بخش یکم تلاش می‌شود امکان‌سنجی مداخله ترمیمی در بزه‌های تروریستی تجزیه و تحلیل گردد. در بخش دوم نیز تلاش می‌شود تا بر اساس پاسخ پرسش نخست، به چگونگی اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی در برابر جرایم تروریستی پرداخته شود.

۱. امکان‌سنجی مداخله ترمیمی در بزه‌های تروریستی

در ابتدای امر شاید به نظر رسد که برنامه‌های عدالت ترمیمی بیشتر در جرایم خرد (علیه اموال و اشخاص) امکان اجرا دارند و در جرایم خشونت‌آمیز و جرایم تروریستی، موضوعیتی نداشته باشند و یا این برنامه‌ها را محدود به جرایم خرد دانست و نه جرایم مهمی مانند جرایم تروریستی که پاسخ سزاگرایانه را می‌طلبد. در توجیه این نگرش استدلال می‌شود که در برخی جرایم شدید، امنیت و نظم اجتماعی مختل شده است^۱ و امکان جبران و اعاده وضع سابق وجود ندارد. در این راستا دولت‌ها با توجیه برقراری امنیت در برخورد با جرایم تروریستی به سرکوب و طرد مرتکبین آن برای استقرار امنیت کشور می‌پردازند «که اصرار بر تداوم چنین رویکردی تنها بر شدت و وخامت اوضاع منجر می‌شود» (میرمحمدصادقی و قدیری بهرام‌آبادی، ۱۳۹۴: ۳۷). باید توجه داشت که داشتن جامعه امن تبدیل

۱. این ویژگی در ماده ۴۲۱-۱ قانون مجازات فرانسه نیز بیان شده است. طبق این ماده، «اقدام فردی یا جمعی که هدف آن اخلال شدید نظم عمومی از طریق ارباب یا ترور است، تروریسم محسوب می‌شود» (تاکید از نگارنده است).

به جامعه امنیتی نشده و توجه به رعایت مقتضیات عدالت کم‌رنگ نشود چراکه امنیتی شدن فضای جامعه ممکن است نتیجه عکس داده و منجر به کینه جامعه محلی و برچسب‌زنی به آن‌ها شود. اما این مسئله نیازمند بررسی بیشتر است چراکه از یک سو امنیت و صلح اجتماعی حتی با ارتکاب جرایم شدید قابلیت بازگشت دارد و وضعیت ناامنی که به واسطه اقدام تروریستی به وجود آمده است تا ابد باقی نمی‌ماند. از سوی دیگر «متهم با هدایت مقامات قضایی می‌تواند اعاده وضع سابق کرده و خسارات ناشی از جرم ارتكابی را تا حد امکان جبران نماید» (Deymie, 2018: 79).

۱-۱. توجیه پاسخ‌های ترمیمی در بزه‌های تروریستی

اگرچه انتخاب رویکرد سزاگرایانه و کیفر جرم تروریستی امری بدیهی است و برای اهداف پیشگیرانه اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد، اما نمی‌تواند به اندازه کافی ابعاد روانی و جامعه‌شناختی تروریسم و پیامدهای آن را بررسی و به‌طور مؤثر با آن مقابله کند. بنابراین، در موارد جرایم شدید، مثل جرایم تروریستی، کیفر به‌طور قطع یک راه‌حل در دسترس است^۱. اما این مسئله نمی‌تواند مانع اجرای موازی و هم‌زمان سازوکار ترمیمی باشد^۲، زیرا توجه و تمرکز، فراتر از خود جرم تروریستی و مرتکبان آن، باید بر بزه‌دیدگان اقدامات تروریستی و نیازهای آن‌ها باشد (Wemmers, 2018: 34). در واقع، کارکرد کیفر در جرایم تروریستی صرفاً سزادهی است و ابزاری برای طرد مرتکب قلمداد می‌شود. به‌علاوه، حقوق جنایی سرکوبگر و ضدتروریسم گاهی با آیین دادرسی منصفانه تعارض پیدا می‌کند (مهر و کارگری، ۱۳۹۳: ۵۶) و حقوق متهمان چندان رعایت نمی‌شود.

جرایم تروریستی به‌دلیل استفاده کور از خشونت و از این نظر که اغلب دارای بزه‌دیدگان مستقیم اتفاقی هستند (یعنی آن‌ها هدف اصلی حملات را تشکیل نمی‌دهند اما به‌طور تصادفی برای دادن پیامی انتخاب می‌شوند)، با دیگر جرایم متفاوت‌اند. بنابراین مرتکب جرم با بزه‌دیده اختلاف و مشکلی ندارد. این پیام در واقع، انتشار یک احساس شدید رنج و ترس نه فقط به بزه‌دیدگان مستقیم و نزدیکان آن‌ها، بلکه به کل جامعه با قصد سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک است (فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۴۸). هدف جرایم تروریستی اختلال در زندگی و همبستگی اجتماعی با ایجاد ترس گسترده است. بنابراین اگر پاسخ به تروریسم برآمده از همین ترس باشد و بر تشدید کنترل و افراط

۱. در رویه حقوق فرانسه برنامه‌های ترمیمی برای جرایم جدی یا شدید اغلب پس از محکومیت و مجازات مرتکبین جرم انجام می‌شود.

۲. استقلال میان این دو رسیدگی بدین معنی است که برنامه عدالت ترمیمی می‌تواند برای جرایم تروریستی انجام بگیرد که در آن تعقیب عمومی توسط دادستان صورت گرفته باشد و هم‌زمان هر دو رسیدگی کیفری و ترمیمی به‌طور مستقل در جریان باشند.

در کیفر تأکید کند، ممکن است به نفع تروریست‌ها و گروه‌های تروریستی باشد. به نظر می‌رسد مبارزه شدید کیفری با این جرایم اثر بازدارندگی نداشته و ممکن است موجب توجیه حملات تروریست‌ها و پیوستن اعضای دیگر به این گروه‌ها شود. چراکه افکار عمومی با مشاهده کشف، مجازات شدید و سریع آن‌ها ممکن است به این اعتقاد برسد که دولت در حال مخالف‌کشی می‌باشد و از این مجرمین می‌ترسد: در نتیجه آن‌ها مستندی برای مشروعیت بخشیدن به طغیان و شورش خود پیدا می‌کنند.^۱ به علاوه پاسخ شدید کیفری به این مجرمین باعث گسست بیشتر روابط و متعاقباً حذف و طرد آن‌ها خواهد شد. به‌ویژه اینکه برخی از این جرایم ممکن است با اهداف سیاسی و به قصد اصلاح سیاست‌های کلی و جلوگیری از نقض حقوق مردم ارتکاب یابند یا به‌عنوان پاسخی به یک محرومیت و سرخوردگی متجلی شود. به نظر سیاست‌سرکوب‌گر و امنیت‌مدار نسبت به این مجرمین اساساً کارکردی ندارد و موجب کاهش این جرایم نیز نمی‌شود. در حالی که عدالت ترمیمی در این نوع جرایم می‌تواند پاسخ مناسب‌تری ارائه دهد: اختلافات میان بزه‌کار، بزه‌دیده و دولت (قوة قضائیه) به‌عنوان نماینده جامعه را حل و فصل نماید و موجبات آشتی و رفع سوء تعبیرها را فراهم آورد. به علاوه احتمال رویارویی و تماس رودررو با موقعیت‌درگیری، احتمال دارد این احساس را در طرفین تقویت کند که به‌طور واقعی فعال هستند، حضور دارند و در حاشیه نیستند. (Walgrave, 1993: 244). در این راستا می‌توان به تجربه فرانسه برای مقابله با جبهه آزادی‌بخش ملی کورسیکا^۲ که یک جنبش ملی‌گرای رادیکال بود و عملیات‌های متعدد تروریستی را در این جزیره مرتکب شدند، اشاره نمود. مدت‌ها امتناع دولت‌های این کشور از مذاکره برای دستیابی به راه‌حل مسالمت‌آمیز، افراط‌گرایی و خشونت اعضا را تشدید کرده بود. بعد از انجام یک‌سری حملات توسط این جبهه وضعیت ویژه‌ای برای کورسیکا ایجاد شد که دولت فرانسه با پاسخ به برخی مطالبات، خشونت را در این منطقه کاهش داد و سه عفو عمومی در سال‌های ۱۹۸۱، ۱۹۸۲ و ۱۹۸۹ شامل حال مرتکبین شد و در مقابل آن‌ها فعالیت‌های خشونت‌آمیز خود را متوقف کردند^۳. هدف از چنین پاسخ نرم و غیرکیفری این بود که این گروه رفتارهای خشونت‌آمیز و افراطی را متوقف کرده و به شکل قانونی به فعالیت‌های سیاسی بپردازند.^۴

۱. آنچه تروریست‌ها به دنبال آن هستند پذیرش و همبستگی اجتماعی است.

۲. Le front de libération nationale corse.

۳. <https://www.senat.fr/rap/199-069/199-0698.html>

۴. اگر نیک بنگریم، این آموزه پشتوانه‌ی قرآنی نیز دارد؛ آن‌جا که خداوند مهربان و بخشنده می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ». یعنی: «و هرگز نیکی و بدی در

در واقع علت عدم کارآمدی مقابله کیفری با جرایم تروریستی این موضوع می‌باشد که این جرایم عمدتاً ریشه در مسائل سیاسی، ایدئولوژیکی و مذهبی دارد و این دست مجرمین حتی با اعمال کیفر بر عقیده خود باقی می‌مانند. بنابراین به جنگ رفتن و اعمال کیفر در جرایم تروریستی موجب از میان بردن تفکر افراطی - بنیادگرا یا یک ایدئولوژی نمی‌شود. تجربه نشان می‌دهد که مبارزه آمریکایی‌ها منجر به از میان برداشتن ایدئولوژی گروه تروریستی القاعده نشد و یا دولت اسپانیا نتوانست جنبش آزادی‌بخش منطقه باسک را برای همیشه سرکوب کند (صادقی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۳). لذا با توجه به عدم کارایی رویکرد سزاگرایانه و کیفری صرف در مورد این دست مرتکبین جرم، اعمال برنامه‌های ترمیمی و بازپرورانه مناسب به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد بهترین روش پاسخ‌دهی به جرایم تروریستی جست‌وجوی وفاق ملی، میانجیگری، دعوت به مذاکره، گفت‌وگو، تبادل نظر و هم‌فکری جهت رفع اختلافات با برنامه‌های ترمیمی و صلح‌جو می‌باشد (اتنف، ۱۳۸۳: ۳۳۸). شدت مجازات یا هدف فایده‌گرایانه مجازات نیست که ساختن جامعه‌ای امن یا عادلانه‌تر را ممکن می‌سازد. زیرا ساختن جامعه‌ای امن و عادلانه‌تر همچنین نیازمند «داشتن دغدغه‌گسائی است که از قانون‌مداری دور شده‌اند و دادن ابزاری ترمیمی به آن‌ها تا خود را در منظر منفعت عمومی و توجه به دیگران بازسازی کنند ضروری به نظر می‌رسد» (Rognon & Deymie, 2014: 12).

۱-۲. بزه‌دیده جرایم تروریستی

با توجه به اینکه تروریسم باعث بزه‌دیدگی گسترده و نه تنها رنج فردی بلکه جمعی می‌شود، در سال‌های اخیر توجه حقوق‌دانان فراتر از تروریسم فی‌نفسه و عاملان آن، به بزه‌دیدگان اقدامات تروریستی و نیازهای آن‌ها متمرکز شده است. در واقع، این توجه نتیجه انتقاداتی در رابطه با «به حاشیه راندن» بزه‌دیدگان و نیازهای آن‌ها در عدالت کیفری می‌باشد. بر این اساس رویکرد ترمیمی نقشس فعال برای بزه‌دیدگان به جهت خشونت‌هایی که متحمل شده‌اند، اختصاص می‌دهد. علاوه بر این، عدالت ترمیمی تنها یک انتخاب باز برای طرف‌های جرم است که قابلیت اجرای قضایی دارد، اما یک فرایند اجباری نیست. در جرایم تروریستی، بزه‌دیدگان اصلی کسانی هستند که قربانی فیزیکی شده‌اند و همچنین، رهگذران یا «بزه‌دیده جانبی»^۱ که شاهد حمله بوده‌اند و از نظر جسمی مجروح نشده‌اند، اما ممکن است متحمل آسیب جدی روحی و روانی شده باشند (Brigant, 2019: 144). دوم، اعضای خانواده (پدر یا مادر) بزه‌دیدگان و اطرافیان بسیار نزدیک وی (دوستان نزدیک، همکاران

جهان یکسان نیست، همیشه بدی (خلق) را به بهترین شیوه (که خیر و نیکی است) پاداش ده (و) دور کن تا همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است دوست و خویش تو گردد». (قرآن، فُصِّلَتْ، آیه ۳۴)

1. Les victimes collatérales.

نزدیک و غیره) نیز بزه‌دیده محسوب می‌شوند. بزه‌دیدگان درجه سوم، همه افرادی هستند که از آنچه اتفاق افتاده است (عامه مردم)^۱ احساس تأثیر و نگرانی می‌کنند. استاد والگریو دسته چهارمی از این بزه‌دیدگان را نیز معرفی می‌کند که در آن، «پدر و مادر شخص مرتکب و جامعه محلی که به آنجا تعلق دارد هستند که دچار درد و رنج بزه‌دیدگی می‌شوند. آن‌ها از کاری که پسر، برادر، همسایه یا هم‌مذهب خود انجام داده وحشت دارند و به‌عنوان تروریست‌های احتمالی یا بالقوه از «برچسب‌زنی و انگ»^۲ می‌ترسند» (Walgrave, 2015: 424). در اینجا می‌توان بین عدالت ترمیمی میان‌فردی و خرد و عدالت ترمیمی میان‌جامعه‌ای و کلان تفکیک قائل شد. در اینجا عدالت ترمیمی خرد ناظر بر میانجیگری میان تروریست و بزه‌دیده‌های او می‌باشد. اما اساساً حوزه تروریسم حوزه‌ای نیست که بتوان از الگوهای سنتی و میان‌فردی عدالت ترمیمی برای پاسخ‌دهی به آن استفاده کرد، بلکه نیاز به الگوهای میان‌گروهی و میان‌جامعه‌ای عدالت ترمیمی^۳ است تا بتواند کل مجموعه کنشگران و قربانیان متقابل را در کنار هم گرد آورده و فضای گفت‌وگو را ایجاد نموده و در یک بستر مبتنی بر احترام و اعتماد، مسئله‌ها را شناسایی نموده و از خرد جمعی و جامعه‌ی برای حل آن مسئله‌ها استفاده کرد (Zehr, 2012: 61). به همین دلیل استاد والگریو معتقد است که بسیاری از نزدیکان مرتکب از عمل ارتكابی عمیقاً آسیب می‌بینند و برگزاری ملاقاتی میان والدین و نزدیکان بزه‌دیده و مرتکب می‌تواند برای کاهش این آسیب‌ها کمک کننده باشد و میل به انتقام را فرو بکشانند، به‌عنوان مثال، در شهر آنتورپ بلژیک، چنین جلسه‌ای بین والدین و اقوام کودکی که در تیراندازی نژادپرستانه کشته شد و والدین و اقوام قاتل تشکیل شد (Zehr, 2012: 426).

بنابراین، بزه‌دیده، انگیزه برقراری ارتباط و ابراز درد و عصبانیت، پرسیدن سؤال و درخواست توضیحات در مورد موضوعات دردناکی را دارد که حتی سال‌ها پس از ارتكاب این‌گونه جنایت با آن‌ها مواجه است. آن‌ها همچنین به دنبال پذیرش و درک رنج و بزه‌دیدگی خود توسط مجرمان به شکل مستقیم هستند (Cario, 2001: 206). دلیل اصلی اجرای این برنامه‌های ترمیمی نیز عموماً خواسته بزه‌دیده‌ها از یک‌سو برای دریافت پاسخ سؤالات خود و بیان آثار جرم در زندگی خود و اطرافیان‌شان و از سوی دیگر پایان دادن به این دور باطل خشونت هم برای خود و هم فرزندان‌شان می‌باشد. بزه‌دیدگان

1. Le public.

2. La stigmatisation.

۳. هدف از احیای آن نیز زدودن دشمنی‌ها و فاصله‌ها و گسست‌های میان‌فردی، میان‌خانوادگی، میان‌قبلیه‌ای، میان‌قومی، میان‌شهری، میان‌استانی، میان‌ایالتی، میان‌جامعه‌ای، میان‌گروهی، میان‌دینی، میان‌مذهبی، میان‌فرقه‌ای، میان‌مکتبی، میان‌حزبی، میان‌جناسی، میان‌کشوری، میان‌دولتی، میان‌قاره‌ای، میان‌نژادی و ... است.

می‌خواهند بدانند که برای محدود کردن علل آسیبی که متحمل شده‌اند و اینکه دیگران نیز ممکن است متحمل شوند، چه کاری انجام می‌شود. گاهی این ملاقات‌های ترمیمی به شکل داوطلبانه اجرا شده و تأثیری در میزان مجازات مرتکبان ندارد. بنابراین ممکن است هدف اولیه این برنامه‌ها در این پرونده‌ها حل و فصل اختلاف و دستیابی به یک توافق بین طرف‌ها نباشد بلکه تقویت ارتباطات، فهم مشترک، تسلی و تشریح خاطر بزه‌دیده و پذیرش مسئولیت باشد (Soulou, 2018: 357).

پیش‌فرض حاکم بر جامعه حقوقی آن است که به دلیل شدت و وسعت و مدت بزه‌دیدگی قربانیان جرایم تروریستی، آنان انگیزه‌ای برای ورود به فرایندهای ترمیمی و ملاقات و گفت‌وگو در نهایت رسیدن به توافق با مرتکبان این جرایم ندارند. گاه حتی ممکن است این ملاقات‌ها زخم‌ها را عمیق‌تر و سبب حمله به خود فرد تروریست یا خانواده او شود. چنین پیش‌فرضی را باید دگرگون ساخت. وظیفه مددکاران ترمیمی نیز غلبه بر همین موانع ساختگی است. باید اشاره کرد که بزه‌دیدگان تروریسم لزوماً گریزان از عدالت ترمیمی و بزهکاران خویش نیستند و گاه حتی پافشاری دارند که چنین بستری فراهم گردد. برای نمونه، می‌توان به پرونده حملات نوامبر ۲۰۱۵ پاریس اشاره نمود که در آن پدر یکی از قربانیان که به قتل رسیده بود، به‌صراحت از دادگاه پاریس درخواست نمود تا با آن دسته از متهمانی که در صورت محکومیت مجرم شناخته شوند ملاقات کند. وی در یک اظهارنظر بسیار پرمعنا و ژرف و ترمیم‌بنیان هدف خود از این ملاقات ترمیمی را نیز بیان می‌کند: «هدف دستیابی به بخشش و بغل کردن نیست. به نفع من نیست که در میل به انتقام‌جویی باقی بمانم، بلکه می‌خواهم به خودم اطمینان دهم که می‌توانیم یکدیگر را در انسانیت مشترک خود بشناسیم. [می‌خواهم] به وی بگویم من هم مثل او انسان هستم و دخترم لولا هم همین‌طور و اینکه او شایسته مردن در ۲۸ سالگی نبود»^۲. و یا در نمونه‌ای دیگر، یکی دیگر از بزه‌دیدگان تروریستی، که در کافه‌ای مورد اصابت شلیک قرار گرفت، با بیان عبارتی ترمیم‌بنیان چنین تمایل خود را به ترمیمی‌سازی فرایند رسیدگی بیان می‌کند: «محکومیت تو باعث ترمیم و دلجویی من نمی‌شود، اما مانع هم نمی‌شود که اگر روزی، حتی در زندان، بخواهی با تو صحبت کنم». همچنین می‌توان از تنها بازمانده تروریست‌هایی که ۱۳۱ کشته در پاریس برجای گذاشتند، یعنی صلاح عبدالسلام، نیز یاد کرد که در پاسخ به این درخواست‌ها اعلام نمود که نه فقط در ازای تعدیل حکم و تخفیف مجازات، بلکه جهت

1. Georges Salines.

2. https://www.francetvinfo.fr/faits-divers/terrorisme/attaques-du-13-novembre-a-paris/proces-des-attentats-du-13-novembre-2015/au-proces-des-attentats-du-13-novembre-le-concept-de-justice-restaurative-fait-son-chemin-pour-ne-pas-rester-dans-un-desir-de-vengeance_5007191.html

کمک به بزهدیدگان آماده ملاقات با آنها است. بنابراین، می‌توان این فضای ترمیمی را بیش از پیش مساعدتر کرد. ایجاد یک فضای ترمیمی نیازمند بسیج منابع عمومی در راستای خلق چنین فضایی است. نمی‌توان در یک فضای تنبیهی انتظار داشت که طرفین دعوا تمایلی به ورود به فرایندهای ترمیمی داشته باشند.

۲. گونه‌شناسی پاسخ‌های ترمیمی در بزهدی‌های تروریستی

از سال ۲۰۱۴، با تصویب ماده ۱-۱۰ و تکمیل آن با آیین‌نامه ۱۵ مارس ۲۰۱۷، عدالت ترمیمی وارد نظام حقوقی فرانسه شده است و امکان توسعه و اعمال برنامه‌های ترمیمی برای برخورد و حل‌وفصل اختلافات کیفری صرف‌نظر از شدت آن فراهم گردید. با توجه به ماده ۱-۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، سازوکارهای عدالت ترمیمی در مورد تمام جرایم و در تمام مراحل دادرسی کیفری قابل اجرا هستند. بدین ترتیب، این سازوکارها نسبت به جرایم تروریستی نیز قابل اعمال‌اند. علاوه بر این، مطابق ماده ۱۰ تصمیم چهارچوب شورای اتحادیه اروپا در ۱۵ مارس ۲۰۰۱ در مورد وضعیت بزهدیدگان در دادرسی کیفری^۱، «هیچ جنحه یا جنایتی از نظر تئوری نباید از امکان میانجیگری بین مرتکبین و بزهدیدگان مستثنا باشد». هر دو متن یادشده بر پایه نظریه امکان اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی و به‌ویژه میانجیگری کیفری در جرایم تروریستی تنظیم و تدوین شده‌اند؛ به‌ویژه که سیاست‌گذاران جنایی شورای اروپا ادبیات بسیار متفاوتی را به کار گرفته و مسیر هر گونه ایجاد جرایم ترمیم‌ناپذیر یا میانجیگری‌ناپذیر را مسدود نموده‌اند. از این فراتر، می‌توان استدلال کرد که میانجیگری کیفری فقط یکی از طرق اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی است و از این حیث طریقیّت دارد و هیچ موضوعیتی ندارد. آنچه مهم است تحقق اهداف عدالت ترمیمی و رعایت اصول راهبردی حاکم بر آن (اصل احترام، اصل مشارکت، اصل گفت‌وگو، اصل جبران و...) است. بنابراین این حکم را می‌توان به هر نوع برنامه ترمیمی دیگری نیز توسعه داد.

با وجود قانون‌گذاری روشن و امکان اجرای برنامه‌های ترمیمی برای تمام جرایم، رویه قضایی فرانسه چندان موافق برگزاری جلسات رودررو زندانیان افراطی با بزهدیدگان نیست. این رویکرد حداقلی را باید عدالت ترمیمی ناقص و ناتمام دانست و به انتقاد از آن پرداخت. دلیل این امر را باید نوپایی عدالت ترمیمی در فرانسه و فضای تنبیهی حاکم بر دادرسی‌های تروریستی و التهاب سیاسی ناشی از ظهور دولت اسلامی یا داعش دانست که تولّد این دو در زمان نسبتاً نزدیکی رخ داده است.^۲

1. La décision-cadre du Conseil de l'Union européenne du 15 mars 2001.

۲. اسلام‌گرایی رادیکال زمینه‌ساز رفتارهای تروریستی بسیار زیادی در قلمرو کشورهای اسلامی و غیراسلامی شده

به جرأت می‌توان گفت که اگر چنین تقاوت زمانی رخ نمی‌داد، اقبال نظام قضایی به عدالت ترمیمی بسیار پویاتر و گسترده‌تر از وضعیت کنونی آن بود. این در حالی است که دو همسایه جنوبی فرانسه یعنی ایتالیا و اسپانیا در زمینه اجرای برنامه‌های ترمیمی در جرایم تروریستی پیش‌گام می‌باشند. مانع دیگر که بازیگران قضایی فرانسوی هنگام رسیدگی به پرونده‌های تروریستی به آن اشاره می‌کنند این است که از یک سو مرتکبان جرم تروریستی معمولاً در درگیری با پلیس کشته می‌شوند و زمانی که زنده می‌مانند افراط‌گرایی آن‌ها مانع اجرای برنامه ترمیمی می‌شود و از سوی دیگر بیم خطر و بزه‌دیدگی مجدد^۱ را دلیل مخالفت خود با اجرای این برنامه‌ها در پرونده‌های تروریسم اعلام می‌دارند.^۲ اما این موارد توجیه مناسبی به نظر نمی‌رسند. در این راستا درست است که اقدامات ترمیمی را نمی‌توان فوراً برای مرتکبین افراطی به اجرا درآورد زیرا ایدئولوژی فرقه‌ای آن‌ها ممکن است مدت زیادی طول بکشد تا از بین برود. تقکر افراطی مرتکبین به حدی بوده است که دست به اقدام تروریستی زده‌اند و بعید به نظر می‌رسد که بتوان گفت‌وگوی مؤثر و سازنده‌ای بین آن‌ها و بزه‌دیدگان آغاز کرد. بنابراین در این وضعیت روانی امکان ملاقات و گفت‌وگوی ترمیمی مؤثر حداقل در کوتاه مدت وجود ندارد. برای کاهش تأثیر موانع ذکر شده می‌توان راه‌حل‌های متعددی را بررسی نمود. توسعه و اجرای اقدامات ترمیمی باید بر اساس شرایط و اوضاع و احوال هر پرونده باشد و در مواردی قابل اجراست که مرتکبان اقدامات تروریستی بخواهند از طریق یک برخورد ترمیمی که می‌تواند با دخالت متخصصان مراقبت‌های بهداشتی انجام شود، مسیر افراط‌زدایی را در پیش بگیرند. زمانی که مرتکب احساس کند که می‌تواند مسئولیت اعمال خود را بپذیرد و انگیزه‌های خود را برای جبران خسارت بزه‌دیدگان با ابراز تأسّف و یا عذرخواهی بیان کند می‌توان ملاقات ترمیمی را برگزار نمود. به‌عنوان مثال مرتکبان اعمال تروریستی در باسک بعد از چندین سال خواهان ملاقات با بزه‌دیدگان یا نزدیکان آن‌ها شدند بنابراین نباید برنامه‌ها و گفت‌وگوی ترمیمی را به کلی در این جرایم کنار گذاشت. در این راستا می‌توان به کاربست چهار نوع از برنامه‌های ترمیمی کارآمد با رویکردی میان‌فردی و میان‌جامعه‌ای برای این دست از جرایم اشاره نمود که البته در جرایم شدید دیگر نیز قابلیت اجرا دارند. هم‌زمان با اجرای برنامه‌های ترمیمی، رسیدگی کیفری و تعقیب مجرمان تروریستی می‌تواند در جریان باشد. پرونده‌هایی که پیشنهاد فرایند ترمیمی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود باید با دقت

است (نک: باباخان، ۱۴۰۰: ۸۳-۸۸).

۱. به این معنا که تروریست اتهامات خود را نمی‌پذیرد، زیرا از این اعمال ابراز پشیمانی نکرده و عذرخواهی نمی‌کند. این موضوع به شدت بر بزه‌دیدگان تأثیر می‌گذارد که احساس می‌کنند رنج آن‌ها درک نمی‌شود.

2. <https://www.politis.fr/articles/2021/11/justice-restaurative-reparer-les-vivants-43833/>

و تمرکز توسط مقامات قضایی دادسرا تجزیه و تحلیل و انتخاب شوند.

۲-۱. میانجیگری ترمیمی

نخستین برنامه از این دست، میانجی‌گری ترمیمی است^۱. پس از یک دوره زمانی آماده‌سازی، مذاکرات یا ملاقات بین بزه‌دیده و مرتکب جرم با پشتیبانی یک شخص ثالث مستقل تشکیل می‌شود (میرمجیدی، ۱۴۰۰: ۴۴۸). میانجی‌گری، اختلافات طرف‌های جرم را حل و فصل کرده و مداخله را به سمت رفع نیازها و خواسته‌های طرف‌های اصلی عمل مجرمانه هدایت می‌کند که تصمیمات یا راه‌حل‌های خروج از منازعه را با اجماع مشترک اتخاذ می‌کند (باباخانی و عبداللهی، ۱۴۰۰: ۱۷۳). از طریق این فرایند، بازگرداندن به وضعیت قبل از وقوع جرم (اعاده وضع)، بازپس‌گیری یا بازگرداندن آنچه از دست رفته یا گرفته شده، تعادل یا توازن شکسته شده، باید با تعهد پاسخ به نیازهای بزه‌دیدگان برای رهایی از تجربه آسیب‌زای روحی - روانی جبران و ترمیم شود: با غرامتی که ممکن است نمادین باشد، یا با هر عمل نمادین دیگری که اجازه می‌دهد تا احساس امنیت بزه‌دیده، عزت از دست‌رفته، یا هرگونه از دست دادن حس قدرت، ترمیم و یا بازگردانده شود (Cario, 2010: 31).

در این برنامه مرتکب جرم و بزه‌دیده در مورد علل ارتکاب جرم و آثار آن به گفت‌وگو می‌نشینند که هدف اصلی ارتباط، صحبت، برقراری آرامش بین طرفین و تسکین احساس بی‌عدالتی است (Jullion, 2019: 5). ذکر علل ارتکابی جرم توسط مرتکب در این فرایندها ضروری به نظر می‌رسد. چنانچه علل سیاسی در ارتکاب جرم نقش داشته باشد می‌تواند دولت‌ها را نسبت به کاستی‌ها، پاسخ‌گویی، تبعیض و بی‌توجهی به منافع عمومی مطلع کند. دولت غیردمکراتیکی که توان گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و مصالحه را نداشته باشد متعاقباً در معرض مبارزات و اقدامات تروریستی بیشتری قرار می‌گیرد و افراد گزینه خشونت را به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به خواسته‌های خود برمی‌گزینند (کارگری، ۱۳۹۱: ۱۸۷). در میانجیگری ترمیمی به خواسته‌های مرتکب که می‌تواند تغییر در برخی سیاست‌ها یا اصلاحات باشد گوش داده می‌شود و در مقابل مرتکبین برای عدم ارتکاب خشونت‌های بعدی تضمین می‌دهند. آن‌ها ممکن است بخواهند به فعالیت‌های خود برای تغییر چهارچوب سیاسی کشور یا استقلال ادامه دهند، اما این اقدامات را باید از طریق روش‌های سیاسی و فرایندهای صلح‌آمیز انجام دهند. اما وقتی گفت‌وگو و مذاکره قادر به حل و فصل تعارضات نباشد، اشکال نازل زبان ظهور پیدا کرده و افراد به خشونت و ترور متوسل می‌شوند (انتف، ۱۳۸۳: ۳۲۹). البته برخی گروه‌های تروریستی ایدئولوژی خود را حق مطلق می‌دانند و گاه برای آن حاضرند

1. La médiation restaurative.

از جان خود هم بگذرند، بنابراین طالب گفت‌وگو نبوده بلکه سرنگونی نظامی را خواستارند. گاه می‌خواهند با محاکمه به‌عنوان یک قهرمان معرفی شوند یا گاه از گروه خود می‌ترسند تا پس از آزادی به دلیل تن دادن به عدالت ترمیمی مورد تهدید و... قرار بگیرند. در این موارد که امکان گفت‌وگو و عدالت توافقی وجود ندارد می‌توان فرایند کیفری را دنبال کرد.

رویکرد کنونی حاکم بر برنامه‌های میانجیگری ترمیمی، رویکردی فردمدار است و تمرکز آن بر این است که شخص یا اشخاص بزهکار را با اشخاص بزه‌دیده مواجه نموده و از طریق گفت‌وگو و مذاکره آن‌ها را به سمت دوستی و توافق و حل مسئله سوق دهد. این شیوه اگرچه «لازم» است، ولی برای رویارویی با جرایمی که ریشه در نفرت و خشونت جمعی دارد، چاره‌ساز و «کافی» نیست. عدم کفایت میانجیگری ترمیمی فردمدار، به‌معنای آن است که باید آموزه عدالت ترمیمی را با برنامه‌های نوینی غنا بخشید تا بتواند خشونت جمعی و نفرت گروهی را نیز از میان برداشته و به دوستی و مدارای جمعی و گروهی تبدیل کند. بدیهی است که نمی‌توان با تفکر میانجیگری ترمیمی فردمدار با چنین پدیده اجتماعی بزرگی مواجه شد. برای این منظور لازم است که میانجیگران شاخص و بزرگی را تربیت و آموزش دهیم تا بتوانند اعضای جوامع درگیر را به پای میز مذاکره و گفت‌وگو آورده و زمینه سازش و دوستی را فراهم کنند. برای نمونه، می‌توان به رفتارهای شبکه‌های تروریستی در جنوب و جنوب شرق ایران و یا شمال غرب کشور اشاره نمود که همواره تهدید جدی علیه امنیت عمومی کشورمان بوده و در مواردی نیز موفق به بمب‌گذاری و ترور شده‌اند. با وجود تلاش‌های سودمند در جهت پیشگیری موقعیت‌مدار و مقابله کیفری و سرکوب سازمان‌ها و گروهک‌های تروریستی فعال در این سه نقطه، چشم‌انداز روشنی جهت پایان فعالیت گروه‌های تروریستی وجود ندارد و این گروهک‌ها با انتقال پایگاه‌های خود به کشورهای همسایه می‌توانند به زیست تروریستی خود ادامه داده و مرتکب جنایات تروریستی علیه مردم کشورمان شوند. حال، اگر قرار بر توسعه عدالت ترمیمی به این حوزه باشد، نیازمند آن است که از یک سو نگرش خود نسبت به ترویس‌ها را تغییر داده و از سوی دیگر زمینه میانجیگری میانجیگران ایرانی و غیرایرانی در جهت مذاکره و گفت‌وگو و آغاز خلع سلاح و در مقابل، محرومیت‌زدایی و تحقق مطالبات قانونی گروه‌های تروریستی و توجیه و اقناع آن‌ها و رفع نفرت و خشونت میان مذهبی و میان فرقه‌ای را فراهم کرد. تا زمانی که چنین برنامه‌هایی طراحی و اتخاذ نشوند، به صرف برنامه‌های میانجیگری فردمدار نمی‌توان انتظار داشت که گروهک‌های تروریستی خلع سلاح نموده و در جامعه بزرگ ادغام شوند. ممکن است استدلال شود که برخی از گروهک‌ها تقابل ایدئولوژیک دارند و به آسانی رضایت به صلح نخواهند داد. با وجود این نگارنده بر این باور است که در جهانی که باید به سمت صلح و دوستی پیش رود، به ناچار باید باب مذاکره و گفت‌وگو را به روی

همه مخالفان مسلح نیز باز گذاشت و دعوت به حل مسائل از طریق مذاکره نمود و تنها در برابر افرادی دست به سلاح برد که به هیچ طریقی حاضر به مذاکره و حل مسائل نباشند. بدیهی است چنین سیاست‌هایی سبب می‌شود تا پایگاه مردمی و اجتماعی گروه‌های تروریستی و مشروعیت آن‌ها از میان برود. جوامعی که در فرایند میانجیگری جامعه‌مدار دست دوستی و صلح می‌دهند دیگر کشتاری برای کاشتن بذره‌های نفرت و خشونت نخواهند بود و گروهک‌های تروریستی نیز به ناچار باید تسلیم شده یا از این جوامع به جوامع دیگر کوچ کنند.

۲-۲. حلقه ترمیمی

دومین برنامه از برنامه‌های عدالت ترمیمی، حلقه ترمیمی است.^۱ نام این برنامه برگرفته از شکل برگزاری آن است که در جریان آن، حلقه‌مندان به صورت یک حلقه در کنار یکدیگر نشسته و مسئله جرم را تدبیر می‌کنند. دایره‌وار نشستن حلقه‌مندان حامل پیام مهمی است که همانا افقی شدن عدالت و برابری اعضا با همدیگر و تمرکز بر مشورت و گفت‌وگو و رها کردن سلسله‌مراتب و مناسبات نابرابری و سلطه است. حلقه بستری فراهم می‌کند تا اشخاصی غیر از طرفین جرم و حلقه‌دار یا تسهیل‌گر نیز در این برنامه حضور داشته و دیدگاه‌های خود را بیان نمایند. بنابراین، فضای آن برای حضور اعضای جامعه محلی و علاقه‌مندان بیشتر از میانجیگری است. در این برنامه، روند ملاقات حول سه هدف می‌چرخد: پذیرش مسئولیت، تحقق یا احیای انصاف و بررسی اهداف و مقاصد آینده. حلقه ترمیمی فرایندی است که افراد آسیب‌دیده از بی‌عدالتی و جرم را گرد هم می‌آورد تا در بحث و تصمیم‌گیری درباره شیوه پاسخ‌گویی به آن شرکت نموده و تصمیم‌گیری کنند. «این گفت‌وگو می‌تواند برای بزه‌دیدگان ارزش روان‌درمانی داشته باشد و به‌طور معمول، تأثیر قابل توجهی بر مجرمان دارد که باید با نتایج عواقب اعمال خود روبه‌رو شوند» (Marshal, 2011: 160). این اقدام ترمیمی امکان فراهم آوردن فضای صحبت برای مرتکبان و بزه‌دیدگان حتی در صورتی که امکان تعقیب عمومی نباشد (در صورتی که ادله به اندازه کافی نباشند، قرار منع تعقیب، حکم برائت یا آزادی، و غیره صادر شود)، را نیز فراهم می‌کند (Pignoux, 2008: 377).

آنچه در این نوشتار مهم است، استفاده از برنامه حلقه ترمیمی در جهت پاسخ‌دهی به پدیده تروریسم است. حلقه‌های ترمیمی ضدتروریستی با این هدف طراحی می‌شوند تا قربانیان تروریسم، مرتکبین و اعضای جامعه محلی را در یک فضای آرام و عاری از خشونت در کنار یکدیگر نشانده و با برطرف کردن دشمنی آن‌ها زمینه صلح و دوستی را فراهم کنند. در اینجا می‌توان به تجربه کشور ایتالیا

1. Le cercle restauratif.

در اجرای این سازوکار اشاره نمود که از سال ۲۰۰۷ میلادی این برنامه را دربارهٔ پاسخ به جرایم ترومیستی به‌کار گرفته است. در واقع، نتایج «مثبت» این جلسات نسبت به منافع بزه‌دیدگان و مرتکبان، تسهیل‌گران را تشویق کرد تا این برنامه را دنبال کنند. در این حلقهٔ ترمیمی ممکن است گروهی از نُه تا پنجاه نفر شرکت کنند و البته اختیار ترک این برنامه را در هر زمان دارند. عموماً این شرکت‌کنندگان به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف) «شاهدان عینی»، یعنی افرادی که مستقیماً خشونت ترومیستی را تجربه کردند (قربانیان مستقیم یا غیرمستقیم)، ب) «اشخاص ثالث»، یعنی شهروندانی که مستقیماً خشونت را تجربه نکرده‌اند، و پ) در نهایت، نخبگان و افرادی که از وجههٔ عمومی مناسب برخوردار باشند (مانند قضات بازنشسته، هنرمندان، نویسندگان و غیره به‌منظور تضمین رعایت دقیق قواعد و اصول و موازین رسیدگی ترمیمی جهت اقتناع افکار عمومی) (Soulou, 2018: 354). هدف این برنامهٔ ترمیمی توسعهٔ روابط و ساختن یک زندگی مشترک با صلح اجتماعی در پاسخ به موقعیت‌های اختلافی، به‌طور کلی، یا به جرایم، به‌طور خاص، است. بنابراین، یک حلقه ممکن است منجر به حل درگیری با ماهیت کیفری، حمایت از بزه‌دیده و اشتراک‌گذاری اطلاعات یا ایجاد رابطه باشد. در واقع، این فرایند فرصتی است برای صحبت کردن و گوش دادن به دیگران، در فضایی امن و بر اساس اصل برابری. در این برنامهٔ ترمیمی هنگامی که همه (مرتکب، بزه‌دیده، بستگان آن‌ها و اعضای جامعهٔ محلی) به سؤالات ترمیمی پیرامون عمل مجرمانه پاسخ دادند و پاسخ سؤالات خود را گرفتند، تسهیل‌گر به بحث نیازهای خاص بزه‌دیده و چگونگی تأمین بهتر این نیازها متمرکز می‌شود. نتایج این برنامه در ایتالیا منتج به آشتی و ترمیم همهٔ شرکت‌کنندگان و به‌ویژه شاهدان عینی، به‌رسمیت شناختن رنج بزه‌دیدگان توسط مرتکبان و به‌رسمیت شناختن انسانیت مرتکبان توسط بزه‌دیدگان شده است.

۲-۳. ملاقات بزه‌دیده- زندانی

در بسیاری از دولت‌های رفاه، دکترین و سازوکارهای عدالت ترمیمی بر پایهٔ فرهنگ صلح و سازش در مرحلهٔ اجرای حکم نیز قابل اجرا است که خود می‌تواند موجب حبس‌زدایی و تعدیل جمعیت کیفری شود. در همین راستا، برنامهٔ ترمیمی ملاقات بزه‌دیده- زندانی^۱ در سازمان زندان‌های بسیاری از کشورها اجرا می‌شود و کارکرد مجازات سالب آزادی را به سمت ترمیمی شدن متمایل می‌کند که نقطهٔ عطف ورود عدالت ترمیمی به نظام سیاست‌گذاری جنایی در مرحلهٔ اجرای مجازات محسوب می‌شود.^۲ در همین چهارچوب می‌توان از ترمیمی‌سازی زندان‌ها و ظهور نسل نوینی از زندان‌ها تحت عنوان «زندان ترمیمی» سخن گفت که رویکرد نوینی در اجرای رژیم حبس و مدیریت

1. La rencontre victime-détenu.

2. L'article 10-1 du code de procédure pénale française.

زندان‌ها است.^۱ در حقیقت، پارادایم تنبیهی مدیریت زندان‌ها جای خود را به پارادایم ترمیمی مدیریت زندان‌ها می‌دهد که در آن تأکید بر روی جبران زیان‌های بزه‌دیدگان و گسترش دوستی و صلح از یک سو و بازپروری و خروج سریع فرد از زندان و بازگشت به جامعه است. آنچه بسیار مهم است و موضوع این نوشتار است بسط این پارادایم نوین به زندانیان جرایم تروریستی است؛ موضوعی که بسیار حساس و چالش‌برانگیز بوده و تحقق آن نیز در عمل بسیار دشوار است. اما نظریه و رویه گویای این نکته است که چنین امری ممکن است و محال و ممتنع نیست.

مطالعات نشان می‌دهد که شماری از بنیادگرایان افراطی، مثل ابومصعب الزرقاوی، و بسیاری از مرتکبان جرایم تروریستی پس از محکومیت به حبس برای جرایم عادی در زندان، افراطی شده‌اند. هم‌چنان‌که بسیاری از رهبران گروه‌های تروریستی، چون ابوبکر البغدادی، نیز دارای سابقه کیفری زندان بوده‌اند. این موضوع اهمیت و نقش زندان را در مدیریت و کنترل نیروهای رادیکال به خوبی نشان می‌دهد. بدیهی است هم‌نشینی و معاشرت با زندانیان افراطی می‌تواند زمینه‌ساز انتقال فرهنگ مجرمانه به دیگر بزه‌کاران گردد، ولی در صورت استفاده بجای، متناسب و حداقلی از پاسخ‌های سالب آزادی و هم‌چنین اجرای دقیق تدابیر بازپرورانه، جداسازی، تأثیر مخرب مزبور تا اندازه زیادی کنترل‌پذیر است. در فرانسه فراتر از ایجاد سلول‌های خاص برای پذیرش افراد افراطی در بازداشتگاه به منظور جلوگیری از پدیده انتقال افراطی‌گری، اقدامات کنترل و آموزش توسط کارکنان زندان راه‌اندازی شده است. در واقع، این امر برای «کنترل دین‌پرستی و مدیریت بازداشت زندانیان افراطی» است.^۲ از این نظر، هر زندانی افراطی قبل از آزادی از زندان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا «بازپروری یا خطرناک بودن احتمالی آن‌ها» ارزیابی شود.

بنابراین، یکی از آثار مترتب بر حبس که موضوع مورد بحث مجامع دانشگاهی است، «رادیکالیزه‌شدن در حبس» می‌باشد که به موجب آن، زندانیان می‌توانند تحت تأثیر چنین افکار افراطی

۱. برای نمونه، بلژیک نخستین بار با انتشار آیین‌نامه ۴ اکتبر ۲۰۰۰ در رابطه با مشاوران عدالت ترمیمی و با آوردن مفاهیم بزه‌دیده و جبران خسارت در مرحله محکومیت دست به رویکردی مبتکرانه زد. قانون زندان‌های بلژیک، مصوب سال ۲۰۰۵ م، اهداف انسانی‌تر شدن شرایط زندان مبنی بر محدودیت آثار مضر بازداشت را وارد کرد و اهداف مجازات سالب آزادی را متشکل از بازپروری، بازسازی و ترمیم عنوان کرد (Article 4 à 10 de la loi pénitentiaire Belge 2005). این نمونه بارز تغییر پارادایم از تنبیهی به ترمیمی در حوزه زندان‌ها و سیاست کیفری است.

2. Comment l'Etat lutte-t-il contre la radicalisation en prison ? www.stop-djihadisme.gouv.fr/lutte-contre-terrorisme-radicalisation/prevention-radicalisation/comment-letat-lutte-t-il-contre

قرار گیرند،^۱ در حالی که اگر در همان مرحله اجرای مجازات سالب آزادی، یک برنامه ترمیمی برای این دست از مجرمان اجرا می‌شد، چه بسا از زندان و افراط‌گرایی ناشی از آن می‌توانست جلوگیری شود. بنابراین، سازمان زندان‌های فرانسه مدت زیادی است که در پی مدیریت «گسترش رفتارهای بنیادی برای احترام به اصول سکولاریسم و قواعد زندگی عمومی، از راه‌های مختلف، از جمله اجرای برنامه‌های ترمیمی از ترس افراط‌خشن، است».^۲ همچنین در اسپانیا برنامه‌های ترمیمی در جرایم تروریستی قابل اجرا است و می‌توان به ملاقات ترمیمی در مورد گروه تروریستی یوسکادی تا آسکاتاسونا - که با نام جدایی‌طلبان باسک نیز شناخته می‌شوند - اشاره نمود.^۳ این ملاقات‌های ترمیمی میان مجرمان در زمان اجرای مجازات حبس با بزه‌دیده در زندان برگزار شد تا فرصتی برای ملاقات با بزه‌دیدگان جهت درخواست بخشش و ترمیم خسارات را داشته باشند. بزه‌دیدگان مستقیم یا بستگان آن‌ها که در فرایند ملاقات‌ها شرکت نمودند، به ندرت با مجرم واقعی خود ملاقات کردند. اکثر ملاقات‌ها در راستای انتخاب تصادفی بزه‌دیده و مرتکب انجام شد. بیشتر عواملان نه تنها مسئولیت اقدامات خود بلکه مسئولیت کل اقدامات تروریستی گروه را نیز بر عهده گرفتند. اجرای این برنامه ترمیمی به دلیل خواست بزه‌دیده‌ها برای دریافت پاسخ‌سؤالات، تضمین آشتی - امنیت فرزندان و نسل‌های بعد و بیان آثار جرم در زندگی خود و اطرافیان‌شان بود (Varona, 2013: 236). در طول جلسه، ایجاد یک فضای امن: امکان استراحت، امکان رفتن بزه‌دیدگان به اتاق اختصاصی دیگری در صورت لزوم، حضور یک روان‌شناس به‌طور سیستماتیک، افزون بر تسهیل‌گران، اخذ موافقت مقامات زندان جهت عدم وجود محدودیت زمانی تا گفت‌وگو ناتمام قطع نشود، ضروری به نظر می‌رسد. برای مبارزه با افراط‌گرایی در زندان‌ها، دولت ایتالیا نیز یک پروژه آزمایشی در برخی از زندان‌ها راه‌اندازی کرده است

۱. سازمان زندان‌های فرانسه، رادیکالیزه کردن را چنین تعریف می‌کند: «فرایند شناسایی شخصی یا جمعی برای تفکرات سیاسی یا سیاسی - مذهبی افراطی که می‌تواند منجر به میل تحریک جامعه از طریق خشونت شود» (Note DAP du 10 février 2016 relative à la prise en charge des personnes détenues en unité dédiée). بر اساس این تعریف می‌توان «رادیکالیزه‌شدن» را نیز فرایندی دانست که در اثر آن شخصی در اثر تعلیم و هم‌نشینی با افراد و گروه‌ها و نهادهای سیاسی، ایدئولوژیک و یا سیاسی - مذهبی افراطی و بنیادگرا، کشش و انگیزه درونی جهت ارتکاب رفتارهای خشن علیه دیگر افراد یا گروه‌ها و نهادها را پیدا نموده و دچار جزم‌اندیشی عقیدتی خشونت‌زا و نفرت‌زا می‌گردد.

2. Lutte contre la radicalisation, 26 octobre 2016, www.gouvernement.fr/argumentaire/lutte-contre-la-radicalisation-en-prison.

۳. هدف این گروه، جدایی منطقه باسک از اسپانیا و فرانسه و تأسیس یک کشور مستقل در تمام مناطق باسک است که در سال ۲۰۱۱ پایان اقدامات مسلحانه خود را اعلام کردند.

که از طریق چندین گروه داوطلب هدف «افراط‌زدایی» از زندانیان را از طریق تجدید گفت‌وگو با آنها دنبال می‌کند. از طریق گروه‌های گفت‌وگو، داوطلبان به زندانیان کمک می‌کنند تا دیدگاه ملایم و ترمیمی اتخاذ کنند و گاهی با خدمات مددکاران، روان‌پزشکان و مصلحان مذهبی به آنها کمک می‌کنند تا تفکرات افراطی و عقاید خود را اصلاح نمایند.^۱

در راستای کلان‌سازی برنامه‌های عدالت ترمیمی می‌توان سطح ملاقات‌های بزه‌دیده - زندانی را از سطح فرمدار آن به سطح جامعه‌مدار ارتقا داد. تصور این برنامه در آغاز دشوار می‌نماید؛ زیرا یک طرف آن شخص زندانی است و نمی‌توان به‌جای فرد زندانی، جامعه زندانی را تصور کرد. اما به نظر می‌رسد چنین امری نباید مانعی در برابر این برنامه ترمیمی باشد. برای نمونه، می‌توان تصور کرد که شخص بزه‌دیده به‌صورت حضوری یا آنلاین^۲ در برابر جامعه متعلق به شخص بزه‌کار حاضر شده و از درد و رنج‌های خود گفته و مسیر دوستی و مدارا و صلح را فراهم کند و یا شخص تروریست به‌صورت

1. <https://www.lejdd.fr/Societe/Justice/prisons-comment-lutte-t-on-contre-la-radicalisation-3547646>

۲. نکته مهم دیگری که در زمینه توسعه عدالت ترمیمی، به‌ویژه به حوزه جرایم خشونت‌آمیز و ترومستی باید توجه داشت، آن است که توسعه اینترنت و ظهور فضای سایبر و ظهور پدیده شگفتی‌ساز مگاورس می‌تواند زمینه‌ساز نسل جدیدی از برنامه‌های عدالت ترمیمی تحت عنوان «عدالت ترمیمی سایبری (برخط/آن‌لاین/مگاورسی)» شود؛ که در این صورت، می‌توان بخشی از محدودیت‌ها و اشکالات «عدالت ترمیمی فیزیکی (حضوری)» را نیز با استفاده از این فناوری‌های نو برطرف کرد. برای نمونه، گاه امکان آن فراهم نیست تا همه اعضای جامعه محلی در یک مکان حاضر شده و گفت‌وگو کنند و گاه هزینه آن نیز بسیار زیاد است که ممکن است برنامه هرگز اجرا نشود. به‌نظر می‌رسد که محاسن و مزایای برنامه‌های عدالت ترمیمی سایبری در جرایم خشونت‌آمیز و به‌ویژه جرایم تروریستی بیش‌تر از دیگر جرایم باشد. نخست از این جهت که در آغاز امر طرفین ممکن است تمایلی به رویارویی و گفت‌وگو نداشته باشند و فضا برای ملاقات حضوری مساعد نباشد. دوم این‌که، در آغاز امر ممکن است بزه‌دیدگان هنوز دچار استرس و فشار روانی بوده و بسیار ترس و واهمه داشته و آمادگی حضور در مقابل مرتکب را نداشته باشند. سوم اینکه در آغاز امر خود مرتکب نیز سرسختانه در برابر این دیدار و مذاکره مقاومت می‌کند و حتی تمایلی به ابراز پشیمانی و توبه ندارد. او به اقدام خویش افتخار می‌کند و هر لحظه در انتظار آزادی و تکرار جنایت بعدی است. از سوی دیگر در آغاز برنامه‌ها ممکن است شروع بسیار تند و خشن داشته و برنامه را متوقف و یا حتی تعطیل کنند و ای بسا که به‌صورت فیزیکی درگیر شوند. چهارم اینکه در برنامه‌های عدالت ترمیمی کلان، در آغاز کار بسیار دشوار است که اعضای دو یا چند جامعه محلی را در کنار یک‌دیگر نشانند و آنها را مدیریت کرد. بنابراین، فضای سایبر می‌تواند محیط مناسبی برای آماده‌سازی اعضای جامعه جهت ملاقات حضوری باشد و تنها زمانی اجازه ملاقات حضوری داده شود که پیشرفت محسوسی در روند گفت‌وگو حاصل شده باشد. عدالت ترمیمی سایبری می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگو، مدارا و دوستی در این زمینه باشد.

فردی یا گروهی به میان جامعه بزه‌دیده رفته و وارد گفت‌وگو شوند و در مسیر صلح و دوستی و جلب رضایت آنان گام بردارند. و نیازها و زیان‌های خود را بیان کرده و اعضای جامعه نیز باب گفت‌وگو و دوستی را گشوده و به تدریج پیوند اجتماعی برقرار شود. حسن این برنامه ترمیمی در آن است که از یک سو شخص محکوم شده و نمی‌تواند به سادگی خود را بی‌گناه بداند و از سوی دیگر مدّت زمانی از زمان رفتار تروریستی گذشته و التهاب اجتماعی فرونشسته است و از سوی سوم خود فرد نیز به رفتار خود اندیشیده و ممکن است پشیمان شده و آماده ترمیم باشد. در نتیجه، هر چهار ضلع یک برنامه ترمیمی یعنی بزه‌دیده، بزهکار، جامعه محلی و دولت آماده ورود به فرایند ترمیمی هستند.

۲-۴. کنفرانس (نشست) ترمیمی

یکی دیگر از ابزارهای عدالت ترمیمی که در این جهت می‌تواند گره‌گشا و کارآمد باشد، سازوکار کنفرانس ترمیمی است.^۱ در واقع، این سازوکار، نوعی میانجیگری است که با حضور بستگان نزدیک و قابل اعتماد بزه‌دیده و مرتکب جرم انجام می‌شود (خانواده، نزدیکان، مربیان و مددکاران اجتماعی). بدین ترتیب امکانات کمک‌های محیط خانوادگی و اجتماعی برای طرف‌های جرم فراهم می‌شود. بنابراین در این برنامه نزدیکان بزه‌دیده و مرتکب نیز به این فرایند غیردولتی - غیرقضایی دعوت می‌شوند تا از طرف‌های جرم از طریق ایجاد محیطی مطمئن و امن حمایت کنند (Kim, 2015: 105). با این حال، برخلاف دادرسی کیفری، بستگان مرتکب نیز هم‌زمان اعلام خواهند کرد که «عشق و علاقه آن‌ها به او ادامه می‌یابد» و جامعه به او اطمینان می‌دهد «اعتماد به او خواهد شد، به این ترتیب، او را به پشیمانی از جرم، اصلاح و ترمیم خسارات ناشی از جرم و به بازپیوستن به گروه‌های انسانی [که به آن‌ها تعلق دارد]، دعوت می‌کند» (Cario, 2010: 34). در مورد این دست از برنامه‌های ترمیمی نیلز کریستی - جرم‌شناس نرژوی - با بینشی ناب‌خواهانه بر این باور است که از طریق این جلسات، «زمانی که طرف‌های جرم موفق می‌شوند به یک راه حل بین خود برسند، دیگر نیازی به قضات و کیفر نیست. اما زمانی که آن‌ها خود موفق به انجام این کار نشدند، قضات باید برای تعریف ماهیت تعهدات مداخله کنند» (Christie, 2001: 64). حتی طرف‌داران مدل بیشینه‌خواه نیز معتقدند چنانچه جرمی بسیار سنگین و خشن بود که آثار آن از سطح جامعه فراتر رفت (مثل جرایم تروریستی) علاوه بر امکان اجرای فرایند عدالت کیفری، به صورت موازی اجرای برنامه‌های ترمیمی نیز [در زندان] از رهگذر فراهم کردن زمینه ملاقات و گفت‌وگوی بزه‌دیده بزهکار قابل تصور می‌باشد (سماواتی پیروز، ۱۳۸۵: ۱۶۷-۱۶۶).

1. La conférence restaurative.

عامل تمایز اصلی برنامه نشست‌های ترمیمی از دیگر برنامه‌های ترمیمی آن است که در آن خانواده و خویشاوندان دو طرف اختلاف و بزه نقش بسیار مهم و حضور پررنگی دارند. از این جهت، این برنامه سرشت جمعی دارد و در حقیقت الگوی ترمیمی میان خویشاوندی یا میان خانواده‌ای است. با وجود چنین پیشرفتی در برنامه‌های عدالت ترمیمی، این برنامه نیز هنوز جامعه‌مدار به معنای حقیقی کلمه نشده است. می‌توان به کنفرانس‌های جامعه‌مدار نیز اندیشیده و به اجرا گذاشت. به باور نگارنده، این برنامه ترمیمی به دلیل سرشت جمع‌گرایانه خود بیش از دیگر برنامه‌ها با مسئله ترمیمی‌سازی جرایم تروریستی انطباق دارد. در واقع، فقط کافی است که نشست خانوادگی و خویشاوندی تبدیل به نشست جامعه‌ای شود و اعضای دو جامعه در این نشست حضور یابند. البته، تردیدی نیست که آغاز و مدیریت چنین فرایندی کار بسیار دشواری است. اما هیچ برنامه سودمند و اثربخشی را نباید به دلیل دشواری اجرای آن تعطیل کرد؛ آن هم برنامه‌ای که برآیند آن صلح و دوستی و همبستگی جوامع درگیر جنگ و نفرت و خشونت است. این یکی از جلوه‌های بارز مردم‌سالاری قضایی است که اعضای دو یا چند جامعه درگیر و دچار بحران در یک فضای دوستانه و محبت‌آمیز گرد هم آمده و از نیازها و زیان‌های خود گفته و آرزوی خود برای دوستی و صلح و هم‌زیستی را بیان کنند.

نتیجه

طرف‌داران مفهوم عدالت ترمیمی تأکید دارند که تحمیل صرف درد و رنج بر مرتکب برای ترمیم آسیب ناشی از جرم نه ضروری است و نه کافی. آن‌ها ترجیح می‌دهند که ترمیم آسیب در فرایندی انجام شود که اجازه می‌دهد با بزه‌دیدگان ملاقات کنیم، با احترام به آن‌ها گوش دهیم، به تمام سؤالات آن‌ها پاسخ دهیم، در صورت لزوم، عذرخواهی کنیم، و اقدامات ترمیمی درخواستی آن‌ها را بپذیریم. باید توجه داشت اقدامات عدالت ترمیمی نباید در پیشرفت فرایند کیفری دخالت کنند (و بر عکس). بنابراین اجرای برنامه‌های ترمیمی در جرایم تروریستی به معنای نفی فرایند و تعقیب کیفری نیست و با رویکردی بیشینه‌خواه می‌توان به شکل موازی هر دو فرایند را اجرا نمود و یا در صورت شکست برنامه ترمیمی به فرایند کیفری روی آورد. بنابراین، عدالت ترمیمی باید به توسعه خود همواره به موازات فرایند کیفری، ادامه دهد. در جرایم تروریستی، توجه ویژه به بزه‌دیده این نوع از جرایم، به‌ویژه در چهارچوب موضوع دریافت غرامت، مشارکت دادن بزه‌دیده در تصمیم‌گیری‌ها، حتی در قالب حل و فصل مسالمت‌آمیز از طریق گفت‌وگو، اهمیت دوچندانی دارد. بزه‌دیدگان ممکن است به این دلیل که کابوس‌های مکرر می‌بینند بخواهند با عاملین جرم تروریستی ملاقات کنند و برای اینکه بتوانند فصل جدیدی از زندگی خود را آغاز کنند باید با بدترین ترس خود که ملاقات با مجرم است روبه‌رو شوند. این به‌نوبه خود می‌تواند به بزه‌دیدگان کمک کند که از مرتکبین جرم احساس جدایی

کنند و به هر کابوس یا فلاش‌بک پایان دهند. در فضای حل و فصل یا گفت‌وگوی ترمیمی، مسائلی از جمله از دست رفتن حیثیت طرف‌های جرم، از دست دادن اختیار و توانایی‌های آنان، همگی از مسائلی هستند که می‌توانند در روند برقراری تعادل و توازن بین بزه‌دیده و مجرم مورد توجه قرار گیرند. بنابراین سه اصل اساسی عدالت ترمیمی که ناظر بر جبران خسارت بزه‌دیده، بازپروری و مسئولیت‌پذیری مرتکب جرم و مشارکت جامعه مدنی در فرایند ترمیمی است در جرایم تروریستی قابل‌تحقق می‌باشد. باید توجه داشت حذف و طرد مجرمان تروریستی ممکن است موجب ناتوان‌سازی یا از بین بردن آن‌ها شود اما همچنان گفتمان و ایدئولوژیک آن‌ها باقی می‌ماند. بنابراین مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم نیازمند راهکارهای غیرکیفری همچون اجرای برنامه‌های ترمیمی است. صرف اینکه شخصی بزه‌دیده یک عمل خشونت‌آمیز شدید (مثل جرم تروریستی) شده است، نمی‌تواند مانعی برای برگزاری یک جلسه ترمیمی باشد، مگر زمانی که بزه‌دیده یا مرتکب تمایل به شرکت در آن نداشته باشد.

تروریسم اصولاً تقابلی خشن فرد با فرد و یا فرد با جامعه نیست، بلکه تجزیه و تحلیل تروریسم نشان می‌دهد که تروریسم تقابلی خشن یک جامعه با جامعه یا جامعه‌های دیگر است. بر پایه این تحلیل جامعه‌مدار از تروریست، نباید تنها بر پایه تحلیل فردمدار با پدیده تروریسم برخورد نمود، بلکه فرد تروریست را باید نماینده ارسالی جامعه‌ای دانست که نفرت را تولید کرده و آن را در قالب فرد تروریست به جامعه هدف حمله ارسال نموده است. تروریسم معلول این دشمنی میان جامعه‌ای است و تا زمانی که این دشمنی باقی است، تروریسم نیز باقی خواهد ماند و برنامه‌های میان‌فردی عدالت ترمیمی نیز ممکن است با شکست مواجه شوند. زیرا به محض خروج فرد تروریست از برنامه ترمیمی به‌ناچار باید به جامعه خویش بازگردد و چون جامعه او همچنان تولیدکننده نفرت و دشمنی است، فرد در معرض لغزش و ورود به چرخه خشونت خواهد شد و در صورت خودداری از این امر، از جانب جامعه خویش طرد خواهد شد (همچنین ممکن است مرتکبان جرایم تروریستی به دلیل شرکت در برنامه‌های ترمیمی از جامعه خود بترسند که پس از آزادی مورد تهدید و سرزنش قرار بگیرند). چنین نگرشی به عدالت ترمیمی را می‌توان عدالت ترمیمی کلان دانست که در برابر عدالت ترمیمی خرد است. از این نگاه کلان و جامعه‌نگرانه، تا صلحی میان مذاهب بزرگ جهان یعنی اسلام، مسیحیت و یهودیت و یا درون خود این مذاهب میان فرقه‌ها برقرار نشود و رهبران مذهبی به یکدیگر احترام نگذارند و از تفسیق و تکفیر و مشارک‌انگاری یکدیگر خودداری نکنند و به پیروان خود آیین مدارا و دوستی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را نیازموزند، عدالت ترمیمی کلان به دست نخواهد آمد. بنابراین، به نظر در جرایم تروریستی باید در کنار برنامه‌های میان‌گیری میان‌فردی،

حلقه‌های میان فردی، نشست‌های میان فردی و... (تروریسم‌زدایی ترمیمی صغیر)، برنامه‌های میانجیگری جامعه‌مدار (میان‌جامعه‌ای)، حلقه‌های جامعه‌مدار، نشست‌های جامعه‌مدار و... را نیز به اجرا گذاشت (تروریسم‌زدایی ترمیمی کبیر). مشاهده شد که کشور اسپانیا و ایتالیا از برنامه‌های ترمیمی به‌نحو موفق‌تری در جرایم تروریستی استفاده کرده‌اند. در این راستا می‌توان این برنامه‌ها را بومی کرده و به ایران نیز توسعه داد. لازم به ذکر است مطابق قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ نهاد میانجیگری دایره کوچکی از جرایم تعزیری را شامل می‌شود. در حقوق ایران باید به دوره توسعه عدالت ترمیمی وارد شد و محدودیت و موانع اجرای میانجیگری برداشته شود تا همه جرایم را شامل شود و در تمام مراحل دادرسی قابل اعمال باشد. همچنین تنوع‌بخشی به ظرفیت‌های موجود در بهره‌گیری از برنامه‌های ترمیمی در قبال مرتکبان عملیات تروریستی به‌ویژه در سطح کلان (جمعی) محل توجه است.

منابع

فارسی

- اتف، رنالد (۱۳۸۳)، «رہیافت‌های جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی به تروویسم (تحلیل جرم‌شناختی تروویسم)»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی*، دوره ۷، شماره ۳۹.
- باباخانی، عرفان و افشین عبداللہی (۱۴۰۰)، «امکان اعمال جایگزین‌های تعقیب کیفری نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی در حقوق ایران و فرانسه»، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، دوره ۲۲، شماره ۵۳.
- باخوان، عادل (۱۴۰۰)، *جامعه‌شناسی خشونت*، ترجمه حسین محمدزاده و جمال ادهمی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان و روش‌شناسان.
- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۵)، *عدالت ترمیمی: تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن*، تهران: نگاه بینه.
- صادقی، سالار، حسین فخر و اسمعیل رحیمی نژاد (۱۳۹۸)، «جایگاه عدالت ترمیمی در جرایم علیه حاکمیت»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، دوره دهم، شماره ۲۰.
- فیرحی، داود و صمد ظہیری (۱۳۸۷)، «تروویسم: تعریف، تاریخچه و رہیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروویسم»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۸، شماره ۳.
- کارگری، نوروز (۱۳۹۱)، *درون مایه‌های تروویسم*، تهران: نشر میزان.
- مہرا، نسرین و نوروز کارگری (۱۳۹۳)، «تروویسم و حقوق کیفری»، *آموزہ‌های حقوق کیفری*، دوره ۱۱، شماره ۸.
- میرمجیدی، سپیدہ (۱۴۰۰)، «ویژگی‌های الگوی مطلوب برنامه‌های عدالت ترمیمی در پرونده‌های خشونت جنسی: با نگاهی به گفتمان قضایی ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.
- میرمحمدصادقی، حسین و رشید قدیری بہرام‌آبادی (۱۳۹۴)، «نقش و جایگاه سیاست در عدالت کیفری حاکم بر جرایم تروویستی»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، دوره ۴، شماره ۱۳.

انگلیسی

- Brigant, Jean-Marie (2019), *La justice restauratrice*, Dalloz, Archives de philosophie du droit, 129-146.
- Cario, Robert (2010), *Justice restaurative – principes et promesses*, 2e éd., L'Harmattan, Paris.
- Cario, Robert (2001), *Victimologie: De l'effraction du lien intersubjectif à la restauration sociale*, L'Harmattan, Paris.
- Christie, Nils (2011), *Les conflits: des biens usurpés ?* in *La justice restauratrice*, Larcier, Bruxelles.
- Deymie, Brice (2018), *La justice restaurative: le dialogue avant la peine*, Cairn.info, 41-52.
- Dieu, Erwan, Ferri, Tony (2015), *Punition et risque: Les geôles du quotidien*, Studyrana.
- Jullion, Daniel (2019), *La médiation pénale entre utopie et contrainte... Un défi possible ?!*, in *La lettre des Médiations*, ISSN non exigé, 3-9.
- Marshal, Tony (2011), "La justice restauratrice: une vue d'ensemble", in *La justice restauratrice*, Trad, Phillipe Gailly, Larcier, Bruxelles.
- Pignoux, Nathalie (2008), *La réparation des victimes d'infractions pénales*,

L'Harmattan, Paris.

- Kim, Moonkwi (2015), Essai sur la justice restaurative illustré par les exemples de la France et de la Corée du Sud, Thèse, L'Université de Montpellier.
- Rognon, Frédéric, Deymié, Brice (2014), **Punir, Restaurer, Guérir, regards croisés sur la justice restaurative**, L'Harmattan, Paris.
- Soulou, Katerina (2018), L'approche restaurative de la criminalité et son application aux cas de terrorisme, Dalloz "Les Cahiers de la Justice", 341-359.
- Varona, Gema (2013), **The Meaning of Impunity: What Do Victims, Offenders and Society Think of Restorative Encounters in the Context of ETA Terrorism in Spain**, Restorative Justice, no. 2, 215-243.
- Walgrave, Lode (2008), **Restorative Justice**, Self-interest and Responsible Citizenship, Cullompton, Devon UK, Willan Publishing.
- Walgrave, Lode (2015), **Le terrorisme intérieur Un défi pour la justice restaurative**, suivi d'un débat avec Denis Salas, Dalloz "Les Cahiers de la Justice", 423-438.
- Walgrave, Lode (1993), "La justice réparatrice et les jeunes", **Journées internationales de criminologie juvénile**, Hauts-de-Seine, Vaucresson.
- Wemmers, Jo-Anne (2018), **Introduction à la victimologie**, Presses de l'Université de Montréal, Montréal.
- Zehr, Howard (2012), **La justice restaurative: pour sortir des impasses de la logique punitive**, Genève, Editions Labor et Fides.
- Zehr, Howard (2002), **Little Book of Restorative Justice**, Intercourse, Good Books.

وب سایت‌های اینترنتی

- Comment la France gère les détenus radicalisés depuis les attentats de 2015 (2021), available at: https://www.lepoint.fr/societe/comment-la-france-gere-les-detenus-radicalises-depuis-les-attentats-de-2015--09-09-2021-2442373_23.php
- Plan d'action contre la radicalisation en prison (2016), available at: www.gouvernement.fr/argumentaire/lutte-contre-la-radicalisation-en-prison
- Circulaire du 15 mars 2017 relative à la mise en œuvre de la justice restaurative (2017), available at: <https://www.legifrance.gouv.fr/circulaire/id/42000>
- Note DAP du 10 février 2016 relative à la prise en charge des personnes détenues en unité dédiée (2016), available at: <https://www.vie-publique.fr/sites/default/files/rapport/pdf/274641.pdf>
- Au procès des attentats du 13-Novembre, le concept de justice restaurative fait son chemin pour "ne pas rester dans un désir de vengeance" (2022), available at: https://www.francetvinfo.fr/faits-divers/terrorisme/attaques-du-13-novembre-a-paris/proces-des-attentats-du-13-novembre-2015/au-proces-des-attentats-du-13-novembre-le-concept-de-justice-restaurative-fait-son-chemin-pour-ne-pas-rester-dans-un-desir-de-vengeance_5007191.html
- Justice restaurative: Réparer les vivants (2021), available at: <https://www.politis.fr/articles/2021/11/justice-restaurative-reparer-les-vivants-43833/>
- Prisons: comment lutte-t-on contre la radicalisation? (2018), available at: <https://www.lejdd.fr/Societe/Justice/prisons-comment-lutte-t-on-contre-la-radicalisation-3547646>.